



SB-0007

First Year B. A. Examination
March / April - 2011
Persian (Classical)

Time : 3 Hours]

[Total Marks : 70

સૂચના :

નીચે દર્શાવેલ નિશાનીવાળી વિગતો ઉત્તરવહી પર અવશ્ય લખવી.
Fillup strictly the details of signs on your answer book.

Name of the Examination :
FIRST YEAR B. A.

Name of the Subject :
PERSIAN (CLASSICAL)

Subject Code No. : 0 0 0 7 Section No. (1, 2,.....) : NIL

Seat No. :

Student's Signature

૧ ફારસી પદના પ્રકારો સવિસ્તર જણાવો. ૧૨

અથવા

૧ અર્વાચીન ફારસી ગદ્ય પર ચર્ચા કરો. ૧૨

૨ حضرت امیر خسرو دہلوی ની ગઝલોની વિશેષતાઓ જણાવો. ૧૨

અથવા

૨ અખ્લાકે મોહસીનીના લેખક મુલ્લા કમાલુદ્દીન વાઈઝ કાશેફીનું જીવન-ચરિત્ર અને બોધલેખક તરીકેની વિશેષતાઓ જણાવો. ૧૨

૩ કોઈ પણ બે ઉપર ટૂંકનોંધ લખો : ૧૦

(૧) عشق و محبت વિશે رومی એ વર્ણવેલ બોધ લખો.

(૨) ادب વિશે કાશેફીના વિચારો જણાવો.

(૩) فوائد صحبت મસ્નવીનો ટૂંકસાર લખો.

۴ (ا) گمہ تہ اےک ویشہ تہاری کراسیماں لہو :

۷

(۱) اخلاق حسنہ

(۲) عقل مننوی

(۳) حکایت جد و جہد

(ب) گمہ تہ یارنی اڈا کرسا سڈیت ویاہیا آہو :

۸

(۱) تلمیح (۲) تشبیہ (۳) تجنیس مزید (۴) تضاد
کی استعارہ (۵) تجنیس تام

۵ گمہ تہ یارنوں لہاںاتر کرہ :

۹۲

(۱) صیقل عقلت بدال دادست حق
کہ بدو روشن کنی دل را ورق

(۲) دلے دارم کہ سامان نیست اورا
بدل دردی کہ در مان نیست اورا

(۳) چینیاں چوں از عمل فارغ شدند
از چئی شادی دہل ہامی زدند -

۱۵) صحبت مردانت از مردان کند
نارخندان باغ را خندان کند

۱۶) سعديا بسیار گفتن عمر ضائع کردن است
وقت عذر آورد نیست استغفر الله العظيم

۱۷) گر گرفتار صفات بد شدی
هم تو دوزخ هم عذاب سردی

६ गमे ते बेनुं गुजरातीमां भाषांतर करो :

१२

(۱) یکی از ایشان گفت = نمی بینید که یوسف و برادرش
پیش پدر ما محبوب تر و از همه بدل او نزدیک تر اند؟ نمی
دانم که چه چیز محبت او را از ما بازمی دارد و چه موجب
است که ما را کمتر از آمد و در نظرش بازی نماید؟ مگر ما از
یوسف و برادرش بزرگ تر نیستیم؟ مگر نیروی جسمی و
کاروانی ما پیش از آن دو نیست؟ مگر ما امور زندگی
او را آواره نمی کنیم درد خدمش نمی سرشیم؟ پس چرا

کیل ما را کم می دهد و جانب ایشان را پیش از ما منظور می
دارد؟ شاید از جهت آنست که مادرش را حیل را پیش
از مادران ما دوست می داشت 'ولی گناه فرزندان چیست
مادران شان با هم متفاوت باشند -

(۲) سلیمان از شنیدن این داستان به تعجب و حیرت فرورفت
و گفت - در این باره تحقیق خواهم کرد، سپس گفت = در صورتیکه
اطهارات تو از روی صدق و حقیقت است این نامه مرا
بنوی ای شان برو و در مجمع شان بیگن و در گوشه ای گوش
فرا دار که حاصل سخن و نتیجه رای ایشان را در باره آه دریای
مهد بد نامه را برداشت و بسوی بلقیس روانه شد و او را
در شهر مارب در قصر خود بیافت پس نامه را پیش او
افکند بلقیس نامه را برداشت و خواند و دید که در آه نوشته
شده است = این نامه از سلیمان بنام خدای بخشیده مهربان
است و در آه نامه سلیمان فرمان داده است از دعوتش
سرپیچی نکنند و ترفع بخوبینند از سر تسلیم بسوی او رسپا گردند -

(۳) یعقوب لیث در میده جوانی یکی از پیران قبیله گفت =
خاطر به حال تو نگرانست، دست پیمانی راست کن تا از برای
تو کریمه از خانواده بزرگ بخواهم - یعقوب گفت = عروس
که من خوش کرده ام - دست پیمان او آمده است پیر گفت =
آن را بر من عرض کن تا بینم که چیست و از عروس نشان ده
تا بدانم که کیست یعقوب بخانه در آمد و شمشیری بیرون

آورد و گفت = من عروس ممالک شرق و غرب را خطبه
خواهم گرد - و دست پیمان من این تیغ جواهر دار و
این شمشیر جوشن گذار است -